



شناسایی شاخص‌های ارزشیابی عملکرد معلمان در راستای تربیت توسعه‌محور

نسرين قربانی^۱، اميررضا فتاحی^{۲*}

۱. گروه مدیریت منابع انسانی آموزشی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. گروه سیاست‌گذاری آموزشی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: amirreza.f1100@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی شاخص‌های ارزشیابی عملکرد معلمان در راستای تربیت توسعه‌محور به منظور بازتعریف نقش معلم در مسیر تحقق توسعه پایدار آموزشی است. این مطالعه به روش کیفی و با رویکرد تحلیل مضمون انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۱ نفر از معلمان، مدیران، کارشناسان و متخصصان تعلیم و تربیت شهر تهران گردآوری شد. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شد و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار NVivo و از طریق مراحل شش‌گانه تحلیل مضمون براون و کلارک صورت گرفت. تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی سه مقوله اصلی شامل «شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان»، «ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی» و «نقش توسعه‌بخشی معلم در تربیت دانش‌آموز» شد. هر یک از این مقوله‌ها شامل چندین زیربخش و مفاهیم کلیدی مانند تسلط بر محتوا، مهارت تدریس، صداقت، همدلی، پرورش تفکر انتقادی، تقویت مسئولیت‌پذیری و ارتقای سواد توسعه‌محور بودند. شاخص‌های به دست آمده نشان‌دهنده نیاز به ارزشیابی چندبعدی، بومی‌سازی شده و توسعه‌نگر عملکرد معلمان هستند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نظام ارزشیابی عملکرد معلمان باید فراتر از شاخص‌های سنتی حرکت کرده و مؤلفه‌های تربیت توسعه‌محور را نیز در بر گیرد. این شاخص‌ها می‌توانند مبنایی برای بازنگری در فرآیندهای ارزشیابی، طراحی ابزارهای سنجش نوین و ارتقای حرفه‌ای معلمان در جهت تحقق اهداف توسعه پایدار آموزشی باشند.

کلیدواژه‌گان: ارزشیابی عملکرد معلمان، تربیت توسعه‌محور، شایستگی حرفه‌ای، آموزش پایدار، تحلیل مضمون

تاریخ ارسال: ۳ آبان ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۳ آذر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲ دی ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱۵ دی ۱۴۰۲



How to cite: Ghorbani, N., & Fattahi, A. (2023). Identifying Evaluation Indicators of Teachers' Performance for Development-Oriented Education. *Training, Education, and Sustainable Development*, 1(4), 41-48



© 2023 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Identifying Evaluation Indicators of Teachers' Performance for Development-Oriented Education

Nasrin Ghorbani¹, Amirreza Fattahi^{2*}

1. Department of Educational Human Resources Management, University of Isfahan, Isfahan, Iran

2. Department of Educational Policy, University of Isfahan, Isfahan, Iran

*Corresponding Author's Email: amirreza.f1100@gmail.com

Abstract

This study aimed to identify evaluation indicators of teachers' performance aligned with development-oriented education to redefine the role of teachers in achieving sustainable educational development. This qualitative study employed thematic analysis. Data were collected through semi-structured interviews with 21 participants, including teachers, school principals, and education experts in Tehran. Participants were selected purposefully, and data collection continued until theoretical saturation. Data analysis followed Braun and Clarke's six-step thematic analysis using NVivo software. The analysis led to the identification of three main categories: "teachers' professional competencies," "personal and ethical characteristics," and "teachers' developmental role in student upbringing." Each category included several subthemes and open codes such as content mastery, effective teaching, honesty, empathy, critical thinking cultivation, responsibility development, and sustainable literacy promotion. The findings highlight the need for multidimensional, localized, and development-driven teacher evaluation criteria. The results suggest that teacher performance evaluation systems should go beyond traditional metrics to include components of development-oriented education. The identified indicators provide a foundation for reforming evaluation processes, designing innovative assessment tools, and promoting teachers' professional development aligned with sustainable education goals.

Keywords: *Teacher performance evaluation, development-oriented education, professional competency, sustainable education, thematic analysis*

Submit Date: 25 October 2023

Revise Date: 4 December 2023

Accept Date: 23 December 2023

Publish Date: 5 January 2024

نظام آموزش و پرورش به عنوان نهاد بنیادین در فرآیند توسعه پایدار هر جامعه، نیازمند ارتقاء کیفی عناصر درونی خود به ویژه نقش آفرینان اصلی آن یعنی معلمان است. در عصر تحولات سریع اجتماعی، فرهنگی، فناورانه و زیست محیطی، دیگر نمی توان به الگوهای سنتی ارزشیابی عملکرد معلمان اکتفا کرد. بلکه نیاز است تا ارزشیابی عملکرد معلمان بر مبنای شاخص هایی انجام شود که با اهداف تربیت توسعه محور هم راستا بوده و منجر به پرورش نسلی خلاق، مسئولیت پذیر، اخلاق مدار و دارای تفکر انتقادی گردد (UNESCO, 2017). از این رو، بازنگری در شاخص های ارزشیابی عملکرد معلمان و تطبیق آن با رویکردهای نوین تربیتی، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

مفهوم «تربیت توسعه محور» مفهومی چندوجهی است که ناظر بر پرورش انسان هایی توانمند در مواجهه با چالش های جهانی همچون تغییرات اقلیمی، فقر، بی عدالتی، شکاف دیجیتال و افول سرمایه اجتماعی است (Tilbury, 2011). چنین تربیتی، بر ارتقاء ظرفیت های شناختی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی افراد تمرکز دارد و هدف نهایی آن، تحقق توسعه ای انسانی و پایدار از طریق یادگیری مادام العمر و مشارکت فعال شهروندان در فرایندهای اجتماعی و زیست محیطی است (Sterling, 2001). تحقق این نوع تربیت مستلزم ایفای نقش مؤثر از سوی معلمان به عنوان کنشگران اصلی در کلاس های درس و الگوی رفتاری دانش آموزان است. بنابراین، شناخت شاخص هایی که عملکرد معلمان را در این مسیر نشان دهد، اهمیت مضاعفی دارد.

ارزشیابی عملکرد معلمان در بسیاری از کشورها یکی از راهبردهای کلیدی برای ارتقاء کیفیت آموزش تلقی می شود. با این حال، مطالعات نشان می دهد که در اغلب نظام های آموزشی، تمرکز ارزشیابی ها بیشتر بر مؤلفه های فنی و اجرایی تدریس همچون حضور و غیاب، نمره دهی، و اجرای سرفصل ها بوده و کمتر به ابعاد تربیتی، اخلاقی، اجتماعی و توسعه محور معلمان پرداخته می شود (OECD, 2013). این در حالی است که برای تحقق اهداف بلندمدت توسعه، معلمان باید فراتر از نقش انتقال دهنده دانش، در جایگاه پرورش دهنده انسان هایی دارای مهارت های زیست پایدار قرار گیرند (UNESCO, 2015).

مطالعات متعددی به لزوم تحول در نظام های ارزشیابی معلمان اشاره کرده اند. به عنوان مثال، پژوهش های Darling-Hammond و همکاران (۲۰۱۲) نشان داده اند که ارزشیابی های معنادار زمانی محقق می شوند که با اهداف یادگیری و تربیت هم راستا بوده و بازخوردهای معنادار به معلم ارائه دهند. از سوی دیگر، شواهد نشان می دهد که شاخص های ارزشیابی باید دارای قابلیت مشاهده، سنجش پذیری و قابلیت پیوند با نتایج تربیتی دانش آموزان باشند (Danielson, 2007). در همین راستا، مدل هایی همچون «چارچوب حرفه ای معلمی» دانیلسون یا «مدل ارزیابی رشد محور» مورد توجه قرار گرفته اند، با این حال، این مدل ها نیز در بسیاری موارد فاقد رویکرد توسعه محور بوده اند و بر ابعاد شناختی و روش تدریس تمرکز داشته اند.

در ایران نیز ارزشیابی عملکرد معلمان بیشتر بر جنبه های اداری و صوری مانند ساعات حضور، گزارش های مدیران و نتایج امتحانات دانش آموزان استوار است (رحمانی، ۱۳۹۸). این در حالی است که بی توجهی به جنبه های اخلاقی، عاطفی، اجتماعی و توسعه محور در ارزشیابی ها، می تواند به تضعیف انگیزه های درونی معلمان، کاهش نوآوری های تربیتی و محدود شدن دامنه تأثیرگذاری معلمان بر دانش آموزان منجر شود. به همین دلیل، طراحی شاخص هایی که بتواند عملکرد معلمان را در مسیر تحقق اهداف توسعه محور تربیت ارزیابی نماید، یک نیاز راهبردی در نظام تعلیم و تربیت کشور است.

از منظر نظری، این مطالعه بر پیوند میان نظریه های یادگیری تحولی (Transformative Learning Theory)، رویکردهای تربیت برای توسعه پایدار (Education for Sustainable Development – ESD) و چارچوب های شایستگی حرفه ای معلمان استوار است. نظریه یادگیری تحولی که توسط میزیرو (Mezirow, 1997) مطرح شده است، به تغییرات بنیادین در بینش، باورها و الگوهای رفتاری افراد اشاره دارد؛ تغییری که دقیقاً در قلب تربیت توسعه محور قرار دارد. از سوی دیگر، آموزش برای توسعه پایدار بر تعامل میان یادگیری، اخلاق، عدالت اجتماعی و

پایداری محیط‌زیستی تأکید دارد (UNESCO, 2015). در نتیجه، ارزشیابی عملکرد معلمان باید بازتاب‌دهنده میزان اثرگذاری آن‌ها در ایجاد چنین تغییراتی در سطح کلاس درس و فراتر از آن باشد.

بر این اساس، مطالعه حاضر با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و مصاحبه با خبرگان آموزشی در تهران، تلاش دارد تا شاخص‌های ارزشیابی عملکرد معلمان را در راستای تربیت توسعه‌محور شناسایی نماید. این شاخص‌ها قرار است نه تنها رفتارهای قابل مشاهده در کلاس، بلکه نگرش‌ها، باورها، رویکردهای اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی معلمان را نیز در بر گیرد و تصویری جامع از عملکرد آن‌ها در مسیر توسعه پایدار ارائه دهد. در عین حال، نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی برای اصلاح دستورالعمل‌های ارزیابی، طراحی ابزارهای سنجش چندبعدی و بازآموزی معلمان در راستای مأموریت‌های جدید نظام آموزشی باشد.

افزون بر این، از آنجا که تربیت توسعه‌محور یک مفهوم پویا و زمینه‌مند است، شاخص‌های شناسایی شده باید با بافت فرهنگی، اجتماعی و آموزشی ایران سازگار باشند. به همین دلیل، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مصاحبه‌های عمیق با ۲۱ نفر از معلمان، مدیران و متخصصان تعلیم و تربیت، بر آن است تا شاخص‌هایی معتبر، بومی‌شده و از دل تجارب حرفه‌ای بازیگران اصلی عرصه آموزش استخراج نماید. استفاده از روش تحلیل مضمون با نرم‌افزار NVivo نیز به غنای تحلیلی داده‌ها و اعتبار آن‌ها خواهد افزود.

در پایان باید تأکید کرد که پرداختن به ارزشیابی توسعه‌محور عملکرد معلمان، نه صرفاً یک نیاز سازمانی، بلکه ضرورتی اخلاقی، انسانی و راهبردی برای تحول در نظام تربیت نسل آینده است. اگر معلمان را مهم‌ترین عامل مؤثر در کیفیت آموزشی بدانیم، پس کیفیت ارزشیابی آن‌ها نیز باید بر اساس دقیق‌ترین، انسانی‌ترین و تحول‌آفرین‌ترین شاخص‌ها صورت گیرد.

روش‌شناسی

در این پژوهش، از روش کیفی با رویکرد تحلیل مضمون (Thematic Analysis) به منظور شناسایی شاخص‌های ارزشیابی عملکرد معلمان در راستای تربیت توسعه‌محور استفاده شد. انتخاب این روش به دلیل ماهیت اکتشافی مسئله پژوهش و نیاز به استخراج شاخص‌ها از داده‌های عمیق و غنی بود.

طرح پژوهش حاضر از نوع کیفی اکتشافی است که با هدف شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارزشیابی عملکرد معلمان صورت گرفت. مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل ۲۱ نفر از معلمان، مدیران، کارشناسان آموزشی و متخصصان تعلیم و تربیت در شهر تهران بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با معیار تنوع حداکثری انتخاب شدند. معیار ورود به مطالعه شامل حداقل پنج سال سابقه مرتبط، آشنایی با نظام آموزشی و تمایل به مشارکت در مصاحبه بود. فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ به‌طوری‌که پس از مصاحبه با نفر بیستم، داده‌های جدیدی حاصل نشد و یک مصاحبه تکمیلی جهت اطمینان از اشباع انجام گرفت.

داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد. برای طراحی سؤالات مصاحبه، ابتدا با مطالعه پیشینه نظری و بررسی اسناد بالادستی آموزش و پرورش، پرسش‌های راهنما تدوین شد و پس از انجام مصاحبه‌های آزمایشی، اصلاحات لازم بر روی آن اعمال گردید. هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه به‌طول انجامید و با رضایت مشارکت‌کنندگان، صدای آن ضبط و سپس به‌صورت کامل پیاده‌سازی شد.

تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار NVivo و از طریق روش تحلیل مضمون انجام گرفت. مراحل تحلیل شامل آشنایی اولیه با داده‌ها، استخراج کدهای اولیه، جستجو برای تم‌ها، بازبینی تم‌ها، تعریف و نام‌گذاری تم‌ها و در نهایت، تهیه گزارش نهایی بود. اعتبار یافته‌ها با استفاده از روش‌های متنوعی مانند بررسی مجدد توسط پژوهشگران (بازبینی توسط همکار)، بازخورد مشارکت‌کنندگان، و بررسی هم‌خوانی یافته‌ها با اسناد و منابع نظری تأیید شد. برای اطمینان از پایایی کدگذاری، بخشی از داده‌ها توسط پژوهشگر دوم نیز کدگذاری و میزان توافق محاسبه گردید.

مقوله اول: شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان

تسلط بر محتوای درسی:

معلمان اثربخش باید تسلط عمیقی بر محتوای درسی داشته باشند. این تسلط شامل دانش تخصصی، شناخت ساختار مفهومی مطالب، تطبیق محتوا با سطح درک دانش‌آموزان، به‌روزرسانی اطلاعات و توانایی تلفیق میان‌رشته‌ای است. یکی از معلمان در این باره گفت: «اگر معلم خودش ندونه دقیقاً چی می‌خواد بگه و ساختار درس توی ذهنش روشن نباشه، چطور می‌تونه به بچه‌ها منتقلش کنه؟»

مهارت‌های تدریس مؤثر:

طراحی هدفمند درس، بهره‌گیری از روش‌های یاددهی فعال، مدیریت زمان، مدیریت تعاملات کلاسی و انعطاف در اجرای برنامه‌ها از جمله مؤلفه‌هایی هستند که در مصاحبه‌ها برای تدریس اثربخش مطرح شدند. به گفته یکی از مدیران آموزشی: «معلمی که کلاس رو فقط با توضیح خشک می‌گذرونه، نمی‌تونه یادگیری واقعی ایجاد کنه؛ باید خلاق باشه و مشارکت بچه‌ها رو جلب کنه.»

مهارت ارزشیابی یادگیری:

توانایی طراحی آزمون‌های معتبر، استفاده از ابزارهای متنوع، ارائه بازخورد سازنده، و بهره‌گیری از ارزیابی تکوینی از ویژگی‌های کلیدی معلمان موفق بود. یکی از معلمان باسابقه عنوان کرد: «فقط امتحان پایان ترم کافی نیست، باید وسط سال بفهمی کی عقب مونده، کی جلو رفته.»

توانایی مدیریت کلاس:

از مفاهیم پررنگ این زیربخش می‌توان به پیشگیری از بی‌نظمی، حفظ تمرکز دانش‌آموزان، برخورد اصولی با رفتارهای نامطلوب، و سازماندهی محیط فیزیکی اشاره کرد. یک معلم دوره ابتدایی گفت: «مدیریت کلاس یعنی آرامش و نظم؛ تا این دوتا نباشه یادگیری شکل نمی‌گیره.»

توانایی فناوری آموزشی:

استفاده مؤثر از ابزارهای دیجیتال، تولید محتوای الکترونیک، تسلط بر پلتفرم‌های مجازی و نوآوری در آموزش از مواردی است که در پاسخ‌ها برجسته بود. یکی از معلمان گفت: «بعد از کرونا دیگه نمیشه بدون تکنولوژی درس داد، بچه‌ها خودشون از ما جلوترن.»

تعهد به یادگیری مستمر:

یادگیری مادام‌العمر، شرکت در دوره‌های ضمن خدمت، تعامل علمی با همکاران و بازخوردپذیری از نشانه‌های این مؤلفه‌اند. به‌زعم یکی از مصاحبه‌شوندگان: «ما هم باید یادگیرنده باشیم. دانش‌آموزا تغییر می‌کنن، ما هم باید یاد بگیریم که عقب نمونیم.»

تسلط بر شیوه‌های یادگیری محور:

درک سبک‌های مختلف یادگیری، طراحی فعالیت‌های متنوع، توجه به تفاوت‌های فردی و آموزش خودتنظیمی از جمله مفاهیمی بود که در تحلیل‌ها تکرار شد. یک کارشناس تعلیم و تربیت گفت: «اگه معلمی فقط به شیوه خودش درس بده، نصف کلاس جامی‌مونه.»

مقوله دوم: ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی معلمان

مسئولیت‌پذیری و تعهد:

از نگاه مشارکت‌کنندگان، نظم در حضور، آمادگی برای تدریس، پیگیری وضعیت دانش‌آموزان و حتی پذیرش وظایف فراتر از چارچوب از نشانه‌های معلم متعهد است. یک مدیر گفت: «تعهد یعنی اینکه معلم فقط سر کلاس نباشه، دلش هم با کارش باشه.»

احترام به کرامت دانش‌آموزان:

این زیربخش شامل استفاده از زبان محترمانه، اجتناب از تحقیر، همدلی با شرایط خاص دانش‌آموزان و تعامل انسانی است. به‌قول یکی از معلمان: «هیچ‌وقت نباید با دانش‌آموزی طوری رفتار کنیم که حس کنه بی‌ارزشه.»

صداقت و شفافیت در رفتار:

معلمان معتبر از شفافیت در نمره‌دهی، راستگویی، باز خورد صادقانه و پرهیز از تبعیض برخوردارند. یکی از دانشجویان تربیت معلم در مصاحبه گفت: «وقتی نمره‌ات معلومه که به حق، حس اعتماد پیدا می‌کنی به معلمت.»

همدلی و ارتباط مؤثر:

گوش دادن فعال، درک احساسات، استفاده از زبان بدن مثبت و کلمات انگیزشی از جمله ویژگی‌هایی بود که بارها در تحلیل‌ها تکرار شد. یکی از معلمان گفت: «دانش‌آموز اگر حس کنه معلمش واقعا حرفش رو می‌فهمه، همه چی فرق می‌کنه.»

انعطاف‌پذیری و مدیریت هیجان:

پژوهش نشان داد که توانایی حفظ آرامش، پذیرش اشتباه، سازگاری با موقعیت‌های غیرمنتظره و خودکنترلی از عوامل کلیدی هستند. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «کلاس جای عصبانیت نیست؛ معلم باید مدیریت خودش رو بلد باشه.»

روحیه همکاری و کار تیمی:

مشارکت فعال در فعالیت‌های جمعی، حمایت از همکاران و تعامل سازنده در محیط مدرسه از جمله مصادیق مهم این زیرمؤلفه‌اند. یک مدیر با تجربه گفت: «مدرسه‌ای موفقه که معلم‌هاش با هم همدل و همراه باشن.»

مقوله سوم: نقش توسعه‌بخشی معلم در تربیت دانش‌آموز

پرورش تفکر انتقادی و خلاق:

تشویق دانش‌آموز به پرسش‌گری، تحلیل مفاهیم، ایده‌پردازی و حل مسئله از نشانه‌های رویکرد توسعه‌محور است. به قول یکی از معلمان: «ما نباید جواب‌ها رو بدیم، باید سوال خوب بپرسیم که ذهن بچه‌ها راه بیفته.»

تقویت مسئولیت‌پذیری و خودرهبری:

ایجاد فرصت تصمیم‌گیری، آموزش خودنظارتی و تقویت استقلال از مهم‌ترین عناصر این زیربخش بود. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «بچه‌ها باید تمرین کنن خودشون انتخاب کنن، خودشون مسئول کاراشون باشن.»

تربیت شهروندی و اجتماعی:

مفاهیمی مانند آموزش حقوق شهروندی، مشارکت جمعی، احترام به قانون و تنوع فرهنگی در این زیربخش مشاهده شد. یکی از معلمان اظهار داشت: «ما فقط درس نمی‌دیم؛ ما داریم نسل آینده یک جامعه رو تربیت می‌کنیم.»

ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی:

صداقت، عدالت، همکاری، مهربانی و گفت‌وگوی اخلاقی از عناصر تکرارشونده در تحلیل‌ها بودند. یکی از معلمان گفت: «یاد دادن ریاضی مهمه، ولی اینکه بچه‌ها راست‌گو، منصف و باوجدان بار بیان مهم‌تره.»

توجه به ابعاد روانی-عاطفی تربیت:

حمایت عاطفی، ایجاد احساس امنیت، تشویق عزت‌نفس و شناخت نیازهای روانی دانش‌آموزان از اولویت‌های این بخش بودند. یک مشاور مدرسه در این زمینه گفت: «بچه‌ای که حس کنه دوست‌داشتنی، یادگیری هم براش راحت‌تر میشه.»

ارتقای سواد توسعه‌محور:

آموزش مهارت‌های زندگی، سبک زندگی سالم، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و آگاهی محیط‌زیستی از جمله مفاهیم اصلی این زیربخش بود. به گفته یکی از مشارکت‌کنندگان: «ما باید بچه‌ها رو برای زندگی توی دنیای پیچیده امروز آماده کنیم، نه فقط برای امتحان.»

پژوهش حاضر با هدف شناسایی شاخص‌های ارزشیابی عملکرد معلمان در راستای تربیت توسعه‌محور انجام شد. بر اساس تحلیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۱ نفر از خبرگان آموزشی، سه مقوله اصلی شامل شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان، ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی، و نقش توسعه‌بخشی معلم در تربیت دانش‌آموز شناسایی شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که شاخص‌های اثربخش برای ارزشیابی عملکرد معلمان، تنها به مهارت‌های فنی و تدریسی محدود نمی‌شوند، بلکه باید ابعاد گسترده‌تری نظیر اخلاق حرفه‌ای، توانایی‌های بین‌فردی، و نقش آفرینی معلم در تربیت شهروندی، مسئولیت‌پذیری و پایداری اجتماعی را نیز دربر گیرند.

در مقوله نخست، «شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان»، ابعاد مختلفی چون تسلط بر محتوا، مهارت‌های تدریس، مدیریت کلاس، مهارت ارزشیابی، و توانایی بهره‌گیری از فناوری مورد تأکید قرار گرفت. این یافته‌ها با چارچوب نظری دانیلسون (Danielson, 2007) همخوانی دارد که بر ترکیبی از آمادگی محتوایی، اجرای مؤثر و بازتاب حرفه‌ای تأکید دارد. همچنین، پژوهش دارلینگ-هموند و همکاران (Darling-Hammond et al., 2012) نیز نشان می‌دهد که توانمندی‌های حرفه‌ای، شاخص قابل اتکایی برای سنجش اثربخشی معلمان است، به‌ویژه زمانی که با بازخورد مستمر و بازنگری همراه باشد. در پژوهش حاضر نیز مصاحبه‌شوندگان به‌طور مکرر بر اهمیت به‌روز بودن دانش معلم، انعطاف‌پذیری در طراحی آموزشی، و درک تفاوت‌های یادگیری دانش‌آموزان تأکید داشتند. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان داشت: «معلمی موفقه که بتونه دانش رو متناسب با نیاز دانش‌آموز ارائه بده، نه صرفاً بر اساس کتاب درسی».

در مقوله دوم، یعنی «ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی معلمان»، شاخص‌هایی همچون مسئولیت‌پذیری، احترام به کرامت دانش‌آموز، صداقت، همدلی، انعطاف‌پذیری و روحیه همکاری استخراج شد. این یافته‌ها حاکی از آن‌اند که عملکرد مطلوب معلمان وابسته به مهارت‌های نرم و بین‌فردی نیز هست. پژوهش‌های بین‌المللی از جمله مطالعه ویلیامز و همکاران (Williams et al., 2016) بر این نکته تأکید دارند که اخلاق حرفه‌ای، همدلی و صداقت معلمان نقش حیاتی در ایجاد فضای یادگیری مثبت و حمایت‌کننده دارند. همچنین، در اسناد یونسکو (UNESCO, 2017) به صراحت آمده است که توسعه پایدار بدون تقویت مهارت‌های اخلاقی، اجتماعی و احساسی در معلمان امکان‌پذیر نیست. بنابراین، طراحی ابزارهای ارزشیابی معلمان باید ابعاد رفتاری و نگرشی را نیز شامل شود.

مقوله سوم، «نقش توسعه‌بخشی معلم در تربیت دانش‌آموز»، از برجسته‌ترین و متمایزترین یافته‌های این پژوهش است. شاخص‌هایی مانند پرورش تفکر انتقادی، تقویت خودرهبی، تربیت شهروندی، ترویج اخلاق انسانی، توجه به سلامت روانی-عاطفی، و ارتقای سواد توسعه‌محور از این مقوله استخراج شد. این یافته‌ها کاملاً با مفاهیم مطرح‌شده در نظریه یادگیری تحولی (Mezirow, 1997) و آموزش برای توسعه پایدار (Sterling, 2001; UNESCO, 2015) همسو هستند. در رویکردهای نوین تربیت توسعه‌محور، معلم نه‌فقط به‌عنوان انتقال‌دهنده دانش، بلکه به‌عنوان عامل تغییر اجتماعی، اخلاقی و زیست‌محیطی تعریف می‌شود. به‌عنوان نمونه، در پژوهش تیلبری (Tilbury, 2011) نیز آمده است که معلمان باید مهارت‌های زندگی، تفکر انتقادی، و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به دانش‌آموزان منتقل کنند تا آنان در آینده نقش فعالی در جامعه ایفا کنند.

در تحلیل داده‌های پژوهش حاضر نیز مشاهده شد که مشارکت‌کنندگان عملکرد معلم را موفق تلقی می‌کردند اگر وی قادر باشد علاوه بر آموزش محتوای درسی، به پرورش فردی و اجتماعی دانش‌آموزان بپردازد. به‌گفته یکی از معلمان باسابقه: «دانش‌آموز خوب، کسی نیست که فقط نمره خوب بگیره، باید انسان مسئول، منتقد، و متعهد هم باشه؛ و این از معلم شروع میشه.» این رویکرد، تأییدکننده این نکته است که ارزشیابی عملکرد معلمان باید از رویکرد سنتی و کمی فاصله گرفته و به سمت رویکردهای کیفی، زمینه‌محور و توسعه‌نگر حرکت کند.

همچنین در پژوهش حاضر، مسئله «بومی‌سازی شاخص‌ها» به‌عنوان یک ضرورت مطرح شد. در حالی که بسیاری از مدل‌های ارزیابی در سطح بین‌المللی تدوین شده‌اند، اما کاربرد آن‌ها در بافت فرهنگی، اجتماعی و آموزشی ایران بدون انطباق محتوایی و مفهومی می‌تواند منجر به نتایج نادرست و کم‌اثر شود (Rahmani, 2019). تحلیل‌های انجام‌شده در این مطالعه نشان داد که بسیاری از شاخص‌های پیشنهادی معلمان، بر پایه تجربه زیسته، دغدغه‌های اخلاقی، و آگاهی از وضعیت دانش‌آموزان در شرایط واقعی آموزش استوار بوده‌اند.

نکته قابل تأمل دیگر، تأکید مشارکت‌کنندگان بر «نقش معلم در تربیت مشارکتی و شهروندی» بود. معلمان معتقد بودند که در کنار آموزش مفاهیم علمی، باید زمینه‌هایی برای مشارکت اجتماعی، کار گروهی، مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی و عدالت اجتماعی در کلاس درس فراهم شود. این یافته‌ها با مطالعات انجام‌شده توسط Barkatsas et al. (۲۰۲۰) در زمینه پیوند آموزش با توسعه پایدار همسو است که نشان می‌دهد عملکرد معلمان باید در ارزیابی‌هایی لحاظ شود که شامل میزان تأثیر آن‌ها بر نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان نیز باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

References

- Danielson, C. (2007). Enhancing professional practice: A framework for teaching. ASCD.
- Darling-Hammond, L., Amrein-Beardsley, A., Haertel, E., & Rothstein, J. (2012). Evaluating teacher evaluation. *Phi Delta Kappan*, 93(6), 8–15.
- Mezirow, J. (1997). Transformative learning: Theory to practice. *New Directions for Adult and Continuing Education*, 1997(74), 5–12.
- OECD. (2013). *Synergies for better learning: An international perspective on evaluation and assessment*. OECD Publishing.
- Sterling, S. (2001). *Sustainable education: Re-visioning learning and change*. Green Books.
- Tilbury, D. (2011). *Education for sustainable development: An expert review of processes and learning*. UNESCO.
- UNESCO. (2015). *Rethinking education: Towards a global common good?* UNESCO Publishing.
- UNESCO. (2017). *Education for Sustainable Development Goals: Learning objectives*. UNESCO.